



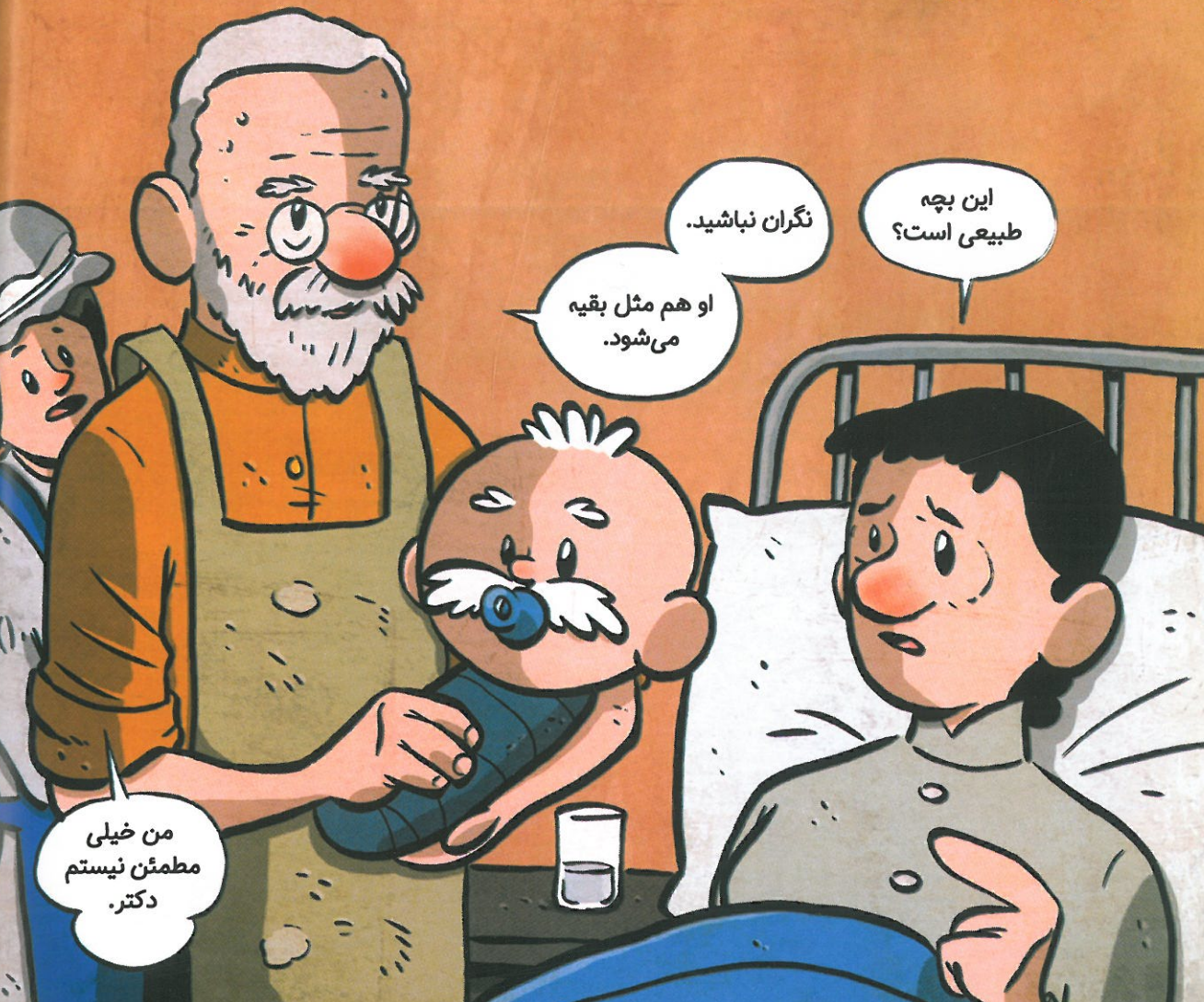
تقدیم به تو که کنجکاوی
و از سؤال پرسیدن خسته نمی شوی...





من آبرت اینشتین هستم.

تا حالا کسی به شما گفته که عجیب و غریب یا متفاوتید؟
دیگران درباره‌ی من این طوری فکر می‌کردند.
روزی که به دنیا آمدم، مادرم واقعاً ترسیده بود چون تا آن موقع هیچ بچه‌ای را با چنان کله‌ی
بزرگی ندیده بود.



من خیلی
مطمئن نیستم
دکتر.

او هم مثل بقیه
می‌شود.

نگران نباشید.

این بچه
طبیعی است؟

اوضاع روبه‌راه نشد.

من کارها را به روش خودم و هر وقت که دلم می‌خواست، انجام می‌دادم تا وقتی سه سالم شد، حرف نمی‌زدم،
وقتی هم که زبان باز کردم، حرف‌زدنم آن قدر عجیب بود که خدمتکاران به من می‌گفت...

